

نشریه کانون فرهنگی ایرانیان کارولینای شمالی

پیوند

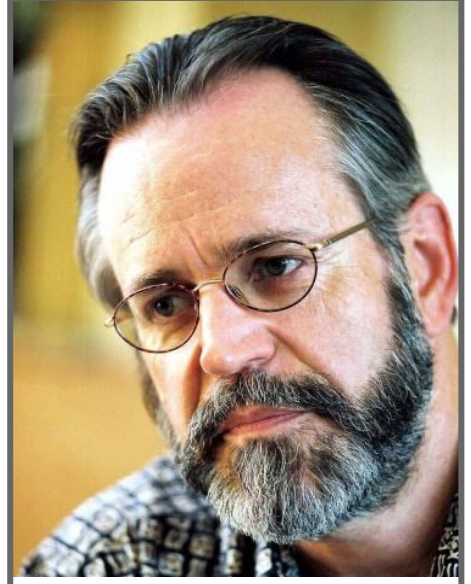
peyvand

THE LETTER OF THE IRANIAN CULTURAL SOCIETY OF NC

اخبار کانون



دانشجویان دوره دکترای NCSU در حال تزئین غرفه ایران در فستیوال بین‌المللی رالی



دکتر کارل ارنتس، استاد دانشگاه UNC



از راست به چپ: دکتر سنکار، دکتر باقری، دکتر میمندی در Meymandi Hall



مراسم نطق دکتر کارل ارنتس در Winston Salem بوسیله کانون بر گزار شد.



N.Naseri

برنامه شب یلدا توسط مدرسه فارسی



مراسم Halloween در مدرسه فارسی

Shahla Rezvani

22 Years of Accomplished Service

شهلا رضوانی

مشاوری دلسوز با ۲۲ سال سابقه در تمام امور مربوط به خرید و فروش خانه های مسکونی وساختمان های تجاری در سراسر کارولینای شمالی آماده همکاری با شما میباشد.

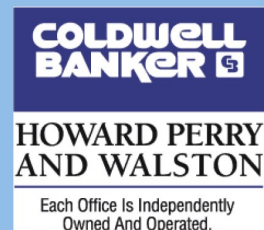
In the Coldwell Banker network of over 86,982 Sales Associates, it is evident that Shahla Rezvani rises to the top. Shahla is consistently, year after year, recognized as one of the top agents not only in the Triangle but in the nation as well.

Continued Excellence: At the Awards of Excellence in March 2015, Shahla received the following honors:

- Coldwell Banker International President's Premier
- #1 Coldwell Banker Associate in North Carolina
- #9 Coldwell Banker Associate in the Southern Region



Why not work with the best!



Shahla's contributions to Coldwell Banker Howard Perry and Walston over the past two decades have been substantial, to say the least. Her commitment to serving her customers has propelled her to be the #1 agent in North Carolina in 2008, 2009, 2012 and 2014, as well as the #2 agent in 2011 and 2013, with Coldwell Banker, the nation's largest real estate company. Her performance year after year has positioned her not only as one of the top agents in the state, but among the top agents in the country. She was inducted into the Coldwell Banker Hall of Fame in 2010 and has achieved the International President's Premier ranking, which is only held by the top 1% of Coldwell Banker's 86,982 agents worldwide. Shahla is a leader in our organization, and is held in the highest esteem by her colleagues and coworkers. She has been an integral force in our success since 1994, and we continue to be honored and grateful that she is a part of our team.

- Don Walston

Founder and Chairman, Coldwell Banker Howard Perry and Walston

Office: 919-960-6302

Fax: 919-313-9849

Email:

RezvaniS@hpw.com

Website:

www.ShahlaRezvani.com

Shahla was outstanding in every possible sense during the entire process of our recent purchase. She is kind and generous with her time and listens carefully to her clients. We recommend Shahla to anyone who asks us about real estate in this area, and we would not hesitate to call on her again. She is a truly exceptional person and a consummate professional.

-Malcolm & Natalia Forbes

Shahla is an amazing Realtor! Her knowledge of the market, her staff and her experience make her a true pleasure to deal with. We have and will continue to recommend her to anyone seeking a Realtor in the area. As we said to Shahla after closing, I wish we had 100 properties to list with her!

-Donald & Kathy Palumbo

Shahla Rezvani is an exceptionally skilled Realtor. After interviewing several agents, she clearly is head and shoulders above the others in the area. She sold our house within a very short time on the market and worked diligently behind the scenes to make it as smooth of a transition from listing to closing. I would highly recommend her to family and friends!

-Tom & Donna Rowe

Shahla is extremely knowledgeable in the industry and provided us with her expert opinion throughout every step of the home buying process. What was truly amazing was her responsiveness. She is not only prompt, professional, and knowledgeable, but she truly cares about her clients! We highly recommend Shahla to anyone in the market for a new home!

-Shane & Erica Nouri

Shahla was a fantastic real estate agent for us and I would very happily use her again to sell my current home and buy a new one. She was very attentive and always responded very quickly to every question, no matter how trivial it may have seemed. I highly recommend her!

-Kendal Parker

Shahla is a fantastic Realtor. She understands the market and people. She is always prompt, responsive and understanding. I would highly recommend her for both buying and selling your home. She has done both for us. You can't go wrong with Shahla!

-Anthony Visco

Shahla Rezvani is a wonderful Realtor! Shahla was able to skillfully navigate around my time limitations to get the job done in an effective manner. She is extremely responsive to all of my questions and concerns, and is very patient and professional. I highly recommend working with Shahla's team if you are in the market!

-Sherilyn Black

As the #1 Residential Real Estate brokerage in our market, we are proud to have Shahla Rezvani on our team. Now, more than ever, you should have only the best for your home and family!

نگاهی به زندگی دانشمندانی که به هنر و فرهنگ ایران خدمات شایانی نموده اند:

پروفسور آرتور اپهام پوپ و همسرش دکتر فیلیس اکرمین

نوشته: دکتر ناهید گیلگ

پروفسور آرتور اپهام پوپ، محقق ایران شناس، تمام زندگانی خود را وقف شناسایی فرهنگ و هنر ایران به دنیا نمود. متأسفانه تعداد ایرانیانی که او را میشناسند انگشت شمارند. آرامگاه این مرد بزرگ و ایران دوست و همسرش در اصفهان، در کنار زاینده رود و نزدیک پل خواجه قرار دارد. همسر، دکتر هوشنگ گیلگ، هنگامی که مشغول جمع آوری مطالب لازم برای کتاب خود بود با شاد روان دکتر جی گلوک دوست و همکار دکتر پوپ تماس داشت. وی موضوع عدم آشنایی مردم ایران با دکتر پوپ را با دکتر گلوک در میان گذاشت. شکایت این مرد بزرگوار در این بود که پس از انتشار کتاب "بررسی کنندگان هنر و فرهنگ ایران" برای بزرگداشت پوپ و معرفی کتاب مزبور، جلسه ای در موزه لس آنجلس برگزار کردند و از تمامی نمایندگان رادیو و تلویزیون و جراید ایرانی دعوت کردند که در آن گرد همایی شرکت کنند ولی هیچیک از آنان در آن جلسه حاضر نشدند. در این نوشته کوتاه کوشش خواهد شد که شمه ای از پژوهش ها و اقدامات این مرد بزرگ و همسرش دکتر اکرمین برای خوانندگان توجیه شود.



نارنجستان قوام در شیراز

آرتور اپهام پوپ و همسرش دکتر فیلیس اکرمین چه کسانی بودند ؟

در اردیبهشت ماه ۱۹۹۵ من و همسر من چند روزی برای سیاحت به شهر شیراز رفتیم. در مدت اقامت پیشین خود در شیراز در دانشگاه شیراز و بیمارستان نمازی تدریس میکردیم. در این سفر، یک روز بدین نارنجستان قوام رفتیم. این باغ شامل درختان مرکبات گوناگون میباشد و در ضمن محل کار قوام شیرازی در زمان گذشته بوده است. این ساختمان قدیمی با نمای آجری دارای تالار مزین به نقاشی ها و منبت کاری و آئینه کاری بسیار زیبا است. سرایدار این مکان در آن زمان شخصی بنام رحیم منبری بود. او ما را به اطاق جنب تالار آئینه رهنمائی نمود و به آگاهی ما رسانید:

" اینجا موزه آرتور پوپ میباشد". این ساختمان و تالار آئینه در زمانی که پروفسور پوپ ساکن ایران شد، بطور کلی ترمیم و بازسازی گردید. آرتور پوپ در زمان زندگانش گنجینه ای از هنرهای ایران را جمع آوری نمود و موزه را تشکیل داد. وی در موقع دیدار ما اندکی از آنچه دکتر پوپ هدیه داده بود بر جای مانده بود. پروفسور پوپ و همسرش دکتر فیلیس اکرمین را از زمان پیشین میشناختیم و کتاب "بررسی در هنر های ایران" را که در سال ۱۹۳۹ در چندین جلد توسط دانشگاه اکسفورد برای نخستین بار به چاپ رسید در اختیار داریم. در سال ۱۹۹۶ کتابی به همت همکاران و شاگردان پروفسور پوپ بنام "بررسی کنندگان هنر ایران" به چاپ رسید. تنظیم کننده این کتاب دکتر جی گلوک و نوئل سیلور بودند. این کتاب گویای زندگی این زوج میباشد که نشان دهنده تلاش ها و پایداری آنان در شناساندن هنرهای ایران میباشد و یکی از مآخذ اصلی در نگارش این مقاله است.

نخستین سفر دکتر پوپ بایران:

دکتر پوپ برای نخستین بار در سال ۱۹۲۵ به ایران سفر می کند. در آن موقع ایران ناحیه ای دور افتاده محسوب می شد و تعداد معدودی آمریکائی بمانند مبشرین



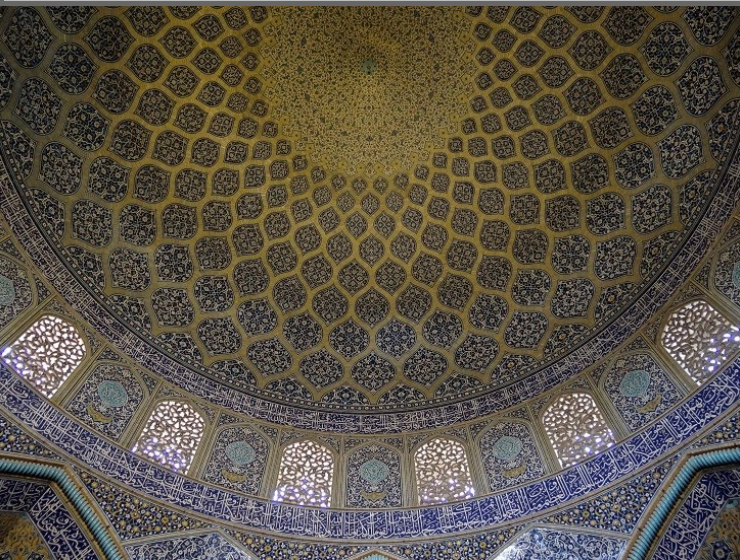
نارنجستان قوام



دکتر آرتور پوپ



The game room at the Penthouse, Fairmont Hotel, designed by Arthur Pope



مسجد شیخ لطف الله در اصفهان

مسیحی، افراد سیاسی و محدودی از بازرگانان فرش در آنجا راه یافته بودند. وی می‌نگارد نخستین بار که وارد کشور شد بنظرش آمد که وارد قلعه‌ای شده است و شرح کاملی در این باره می‌دهد و از آب و هوای مناطق مختلف آن سخن می‌گوید.

در سال ۱۹۲۶ از پوپ درخواست میشود که از جانب ایران نماینده ویژه برای برپا کردن جشن‌های ۱۵۰ سالگی آزادی آمریکا باشد و در ضمن یک بنای ایرانی برای غرفه ایران برپاسازد. دکتر پوپ با همکاری آرشیوتکتی به نام کارل زیگلر چندین تالار نمایشگاه را با هنرهای ایرانی آرایش گردید. غرفه ایران آنچنان زیبا شد که پس از اتمام دوره نمایشگاه قرار شد که زمانی دیگر آنرا برای بازدید همگان باز نگهدارند. در این نمایشگاه بین‌المللی، غرفه ایران برنده جایزه طلا گردید و بیش از پانصد نوع از آثار هنری و صنعتی ایران از جمله "قالی معروف اردبیل" بنمایش گذاشته شده بود که قیمت آنها در آن زمان به میلیون‌ها دلار برآورد شده بود. همچنین برای نخستین بار وام دادن آثار هنری از یک موزه به موزه دیگر آغاز گردید.

ساختمان هتل "اهوانی" در یوسیمیتی پارک در کالیفرنیا در سال ۱۹۲۶ بپایان رسید. تزئینات داخلی این هتل را دکتر پوپ و همسرش به عهده گرفتند و آثار هنری ایرانی را در تزئین این هتل به کار بردند. در همان سال (۱۹۲۶) صاحب هتل فرمانت در سانفرانسیسکو پس از ساختن پنت هاوس، برای تزئینات داخلی آن از پوپ که در آن هنگام استاد دانشگاه برکلی بود و تخصص کامل در هنرهای ایران داشت یاری می‌خواهد. تالار استراحت یا game room در پنت هاوس این هتل از سقف تا کف اطاق پوشیده از کاشیکاری به شیوه ایرانی است و سر درهای قوسی آن نمونه بارزی از طرحهای ایرانی می‌باشد.

پروفسور پوپ از دید همکارانش:

شادروان دکتر فرج‌الله بذل یکی از همکاران پروفسور پوپ می‌نویسد: "افتخار بزرگی داشتم که در سال ۱۹۲۹ زمانی که آرتور پوپ برای عکس برداری از ساختمانهای تاریخی به اصفهان آمد، به او معرفی شدم و در سخنرانی وی که در باره هنر و معماری ایران و نفوذ آن در فرهنگ کشورهای دنیا بود شرکت جست." در این هنگام پوپ از بذل می‌خواهد که برای گرفتن عکسهای تاریخی وی را یاری دهد. بذل که خود پژوهشگری در فرهنگ و هنر ایران بود با کمال میل این پیشنهاد را می‌پذیرد. روز بعد با درشکه به دنبال پوپ رفته و باهم بطرف مرکز پایتخت صفویه رهسپار می‌گردند.

بذل می‌نویسد: "من حامل سه پایه و عدسی‌ها و دستگاه‌های عکاسی بودم، متأسفانه بعلت نبودن فیلم‌های رنگی، عکسهای ما همه سیاه و سفید بودند. اولین ایست ما ساختمان مسجد شاه بود که با ابهت و زیبایی و کاشیکاری و رنگ آمیزی بینظیرش یکی از نمونه‌های زیبای هنر ایرانی است. پوپ از من خواست که چند روز دیگر با وی همکاری کنم و تعدادی عکس از مسجد جامع، مدرسه مادر شاه، امامزاده جعفر، امامزاده اسمعیل، پل جلفا، پل الله وردی خان، پل خواجه و بعضی از ساختمانهای تاریخی دیگر بردارم." پروفسور پوپ در سال ۱۹۲۹ پیش از خروج از ایران از بذل درخواست نمود که معاونت پژوهشی ایشان را در ایران بعهده بگیرد، و کوشش نماید که تاریخ و زمان ایجاد ساختمان‌های باستانی اصفهان را پیدا کند، و همچنین درخواست نمود که نقشه‌ای کامل از شهر اصفهان تهیه نماید که جایگاه آن ساختمان‌ها را آشکارا نشان دهد. پروفسور پوپ به بذل قول داد که در بهار آینده برگردد و کار خود را دنبال نماید.

پوپ با ادامه کار خود موفق شد که به عکاسی و ارزش‌یابی از معماری ایران بپردازد و این پژوهش منجر به پیدا کردن و کشف ساختمانهایی شد که وجود آنها بر ما نامعلوم بود. حتی برخی از این ساختمان‌ها را در دوره هخامنشی ساخته بودند. پوپ دائماً در حال جستجو در آثار ایران بود. نتیجه کوشش‌های او باعث شد که صنعت قالیبافی در ایران پایدار بماند. پیش از آمدن او به ایران، صنعت قالیبافی در کشور به پائین‌ترین و بدترین زمان خود رسیده بود. بدین معنی که قالیبافان از رنگ انیلین، که رنگی ناثباتی است و در زمانی کوتاه کمرنگ می‌گردد، استفاده می‌کردند. این چنین کاهش در قالیبافی ایران باعث از دست دادن مشتری‌های اروپایی گردید و مردم ایران نیز چنین قالی را قبول نداشتند. پوپ در حضور افراد بلند پایه دولت، بافندگان، رنگرزان، هنرمندان، نقاشان و افراد دانشمند برای زنده کردن هنر قالیبافی کشور سخنرانی بسیار جالبی نمود. در روزنامه‌ها مقالاتی در این باب نگاشتند. دولت آن زمان که این موضوع برایش قابل اهمیت بود، کوشش نمود که عقیده پوپ را بکار ببندد و بدین ترتیب وضع قالیبافی ایران بهبود سریعی پیدا کرد. با استفاده از رنگهای طبیعی و دائمی، پشم‌های نازک و شانه‌شده و نقشه‌های جدید و هم چنین استفاده از نقش قالی‌های سده هفدهم میلادی، هنر قالیبافی را مجدداً در ایران زنده نمود. (بقیه در صفحه ۱۶)



آرامگاه دکتر پوپ در اصفهان



N.Naseri



N.Naseri



N.Naseri



N.Naseri

ICSNC Board of Directors

Mehdi Emamian: President
Javad Taheri: Vice President
Minoo Rakhsha: Treasurer
Azita Wilson: Secretary
Behrouz Mohebbi: Board Member
Bahman Asgharian: Board Member
Farid Alborzi: Board Member
Saara Mansouri: Board Member
Forooz Salim: Board Member

In This Issue:	Page
Kanoon News	2
Professor Arthur Pope	4
Persian School in pictures.....	6
Index.....	7
Farmanfarmaian and her art of mirror works.....	8
Dr. Sankar, winner Nobel prize in chemistry.....	10
Editor's Letter/North Carolina Museum of the Arts.....	11
Moini Kermanshahi : poem and bio.....	12
Dr Assad Meimandi on Alzheimer's Disease.....	13
Table of life span, major old Persian poets.....	14
Slavery in Iran, Qajar Period.....	15
Foroozan, Persian actress dies.....	16
Satire.....	17
Emotional intelligence.....	17
Alamoot Castle.....	18
Dr. Howard's letter.....	20
Dr. Bathaee's poem.....	21
Takhteh Nard by Haleh Saei.....	22
Iranian Landscape and people.....	24
Poems.....	25

Please notify ICSNC of any changes in your mailing or email address:

icsnc@icsnc.org ~ Phone: 919-466-9903

روی جلد:

"باداب سورت" یک پدیده طبیعی است در مازندران که در ۹۵ کیلومتری جنوب ساری و نزدیک روستای اُرُست واقع شده است. این پدیده، چشمه پلکانی بی نظیری می باشد که به طور طبیعی با جریان آب معدنی که از دو چشمه آب گرم در این ناحیه روان است، پس از گذشت هزاران سال ایجاد شده است. آب گرم این دو چشمه پس از سرد شدن، مواد معدنی را روی دامنه کوه رسوب می نماید. باداب یک کلمه فارسی ترکیب شده از آب و باد (گاز) است. "سورت" نام قدیمی روستای اُرُست میباشد.

دو چشمه آب معدنی که پدیده طبیعی باداب سورت را تشکیل می دهند دو نوع کاملاً متفاوت می باشند. یک چشمه آب شوری دارد (کلسیم کاربونیات) که در برکه های کوچکی جمع می شود و اعتقاد بر این است که خواص التیامی به خصوص برای درمان روماتیسم و بیماریهای پوستی دارد. آب چشمه دوم طعم ترشی دارد (کاربونیات آهن) و به علت رسوبات اکسیده آهنی نارنجی رنگ می باشد. تختهای پله ای باداب سورت از سنگ آهک یا تراورتن ساخته شده اند. بعد از کوه دماوند، باداب سورت به عنوان دومین میراث طبیعی در آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. گیاهان اطراف این باداب در یک سو درختان سرو و در سوی دیگر بوته های زرشک می باشند.

Cover: Badab-e Surt, Mazandaran

Badab-e Surt is a natural site in Mazandaran Province in northern Iran, 95 kilometers (59 mi) south of the city of Sari, and 7 kilometers (4.3 mi) west of Orost village. It comprises a range of stepped travertine terrace formations that has been created over thousands of years as flowing water from two mainly different mineral hot springs, made of Calcium Carbonate and Iron carbonate cooled and deposited carbonate minerals on the mountainside.

Iranian Cultural Society of North Carolina

P.O. Box 91206, Raleigh, NC 27675

WWW.ICSNC.ORG

Winter 2016 Issue of Peyvand, ICSNC Newsletter # 92

Editor: Shahla Bagheri, MD

Designer: Shakiba Enayati

Proof Reading and Website: Nazi Kite

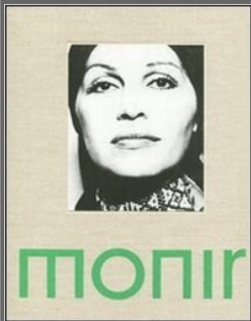
Please send your comments or questions to:

bagherimd@gmail.com or mail them to:

ICSNC/Peyvand, P.O. Box 91206 Raleigh, NC 27675

Disclaimer:

The views expressed in this publication are those of the public and, unless specifically stated, are not those of the ICSNC or Peyvand newsletter.



منیرشاهرودی فرمانفرمایان

و هنر آینه کاری



Exhibition: *Monir Shahroudy Farmanfarmaian: Infinite Possibility. Mirror Works and Drawings 1974-2014*

Venue: Solomon R. Guggenheim Museum, 1071 Fifth Avenue, New York

Location: Tower 2, Tower 4, Monitor 4 and Thannhauser 4 galleries

Dates: March 13-June 3, 2015



در سن ۹۱ سالگی، منیر شاهرودی فرمانفرمایان، یکی از چهره های مهم هنرهای مدرن در ایران، اولین نمایشگاه بزرگ خود را در آمریکا در موزه گوگنهایم Guggenheim افتتاح نمود. اگر چه فرمانفرمایان ۶۰ سال سابقه کار هنری دارد، نمایشگاه او در گوگنهایم در روی آثار هنری او که در سالهای ۱۹۷۴-۲۰۱۴ تولید شده اند، یعنی سالهایی که در نیو یورک زندگی می کرد، تکیه می کند.

فرمانفرمایان در سال ۱۹۲۴ در قزوین پا به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلاتش در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در سال ۱۹۴۵ برای ادامه تحصیل در دانشگاه کرنل و پارسونز (یکی از بر جسته ترین دانشکده های هنرهای زیبا در نیو یورک) به آمریکا سفر نمود چون بعد از جنگ جهانی دوم ادامه تحصیل در پاریس امکان نداشت. در نیو یورک او با هنرمندانی مانند جکسون پولاک، اندی وُرهال، و ویلم د کونینگ آشنا شد و در گرد همائی های هنرمندان آوان گارد شرکت می کرد. بعد از اتمام تحصیلاتش، فرمانفرمایان به کار هنری در امور تبلیغات تجارتی پرداخت و در فروشگاه معروف "بانویت یلر" در نیو یورک استخدام شد. در این جا بود که با اندی وُرهال روی پروژه های تبلیغاتی فروشگاه بایکدیگر کار می کردند. فرمانفرمایان در سال ۱۹۵۷ به تهران بازگشت و در این زمان به نقاط مختلف ایران سفر نمود. این سیر و سیاحت ها باعث آشنائی او با هنرهای بومی و سنتی از قبیل جواهر سازی و لباسهای ترکمن، نقاشی قهوه خانه ای و تکنیک های نقاشی پشت شیشه گردید. فرمانفرمایان آثار هنری فراوان شامل ۶۰ نقاشی قهوه خانه ای، تعداد زیادی اشیاء عتیقه و جواهرات نقره ای ترکمن در طول این سفرها جمع آوری کرد که متأسفانه پس از مصادره شدن اموالش این آثار هنری یا فروخته شد و یا از بین رفت. وقایع سال ۱۹۷۹ او را دوباره به نیو یورک بازگرداند. در نیو یورک فرمانفرمایان به ایجاد کولاژ و ساختن "جعبه خاطرات" پرداخت. او می گوید: "در این زمان کارگاه نداشتیم، و وضع مالی ام خوب نبود، در نتیجه مجبور بودم کار کنم. در آن موقع به تهیه "جعبه خاطرات" روی آوردم که به نظرم خیلی اندوهناک بود ولی سود مالی خوبی داشت. جعبه های خاطره را جعبه "اندوه" می نامیدم زیرا خیلی برای ایران دلتنگ بودم." آینه کاری از کارهای مهم هنری ایران به شمار می رود. او می گوید که وقتی از مسجد شاه چراغ در شیراز و سایر مسجد ها و قصر های قدیمی ایران بازدید می کردم، با هنر آینه کاری آشنا شدم. در این بناها سر تا سر تالار یا گنبد با آینه کاری های زیبا تزئین شده بودند و این تجربه مرا به فکر انداخت که قسمت کوچکی از این هنر را به خانه های مردم بیاورم. در این زمان مشغول به ایجاد آینه کاری شدم. در ابتدا کارم را با آمیختن آینه کاری و نقاشی شروع نمودم تا این که توجهم به طرح های هندسی جلب شد. امروزه معنای ژرفی در نقش هندسی می بینم که از مثلث و مربع، پنج ضلعی، شش ضلعی شروع می شود و به ۱۲ ضلعی، زودیاک (۱۲ ماه سال) می رسد. فرمانفرمایان در تهیه کارهای آینه کاری از شش ضلعی زیاد استفاده می کند. او در این باره می گوید که من استادی داشتم که بیش از ۳۵ سال به تولید شاهکارهای آینه کاری در کاخا مشغول بود و او بود که به من آموخت که پایه آینه کاری بر اساس شش ضلعی است و شش ضلعی را می شود با طرح های دیگر به آسانی آمیخت در حالی که با پنج ضلعی نمی شود چنین کاری کرد.



اثر آینه کاری فرمانفرمائی‌ان در گالری کوئینزلند در استرالیا

طراحی گل و کولاز از جمله کارهای دیگری بود که فرمانفرمائی‌ان پس از بازگشت به نیویورک انجام می داد. او به علت مالی، به پیشنهاد یکی از دوستان هنرمندش، اتاق ناهار خوری در آپارتمانش در نیو یورک را به کارگاه تبدیل کرد و اولین کولاز خود را تولید نمود. این کولاز اکنون در فرودگاه جده در عربستان سعودی آویخته شده است. از دیگر کارهای او طراحی های زنبور عسل می باشد. در این کارهای هنری او حرکت زنبور ها را روی کاغذ با فرو بردن پاهایشان در جوهر ثبت می کند. در سال ۲۰۰۴ فرمانفرمائی‌ان به دعوت موزه هنرهای مدرن به تهران بازگشت و نمایشگاهی بر گزار کرد. در تهران او کارگاهی را برای تشکیل این نمایشگاه اجاره نمود و تعداد زیادی کارگر در آن کارگاه روی طراحی های آینه کاری او کار می کردند. فرمانفرمائی‌ان نمایشگاه های زیادی در کشورهای مختلف اروپائی، ژاپن و استرالیا بر گزار کرده است و آثار هنری او در موزه های بر جسته دنیا از جمله در موزه متروپولیتن نیو یورک، کوئینزلند آرت گالری در استرالیا، تیت در لندن، و موزه هنرهای مدرن در تهران به عرضه تماشا گذاشته شده است. از سفارش های بزرگ که به او داده شد می توان از نصب کولاز در فرودگاه بین المللی جده، برج داگ همرشولد در نیویورک و مرکز فرهنگی نیاوران در تهران نام برد.

پیام فرمانفرمائی‌ان به جوانان این است که هیچگاه امیدشان را در زندگی از دست ندهند. او می گوید که من لحظات خیلی اندوهناکی در زندگی داشته ام مانند از دست دادن خانه و زندگی، کارهای هنری و اشیا عتیقه ای که در طول سالیان جمع آوری نموده بودم. ولی با وجود همه این شکست ها، به ندای درونی خود پاسخ مثبت دادم و همچنان به کار های هنری خود ادامه دادم.

دکتر عزیز سنکار: دانشمند اهل ترکیه، پروفیسور شیمی در دانشگاه UNC Chapel Hill و برنده جایزه نوبل شیمی

ترجمه و تنظیم: دکتر شهلا باقری

بخشی از سخنرانی پروفیسور گوستاوسون، عضو رویال آکادمی علمی سوئد و کمیته نوبل در رشته شیمی در مراسم اهدای جایزه نوبل به برندگان رشته شیمی:

۱۰ دسامبر ۲۰۱۵ استکهلم

یک تخم بارور تمام اطلاعات لازم را برای تشکیل یک انسان در درونش دارد. این اطلاعات در ژنهای ما یعنی در DNA ذخیره میشود. DNA را فردریک مایشر کشف کرد و توانست این ماده را در سال ۱۸۶۹ از گلوبولهای سفید جدا کند. در طول زمان، اکتشافات مهمی در این مورد انجام گرفت. در سال ۱۹۵۳ جیمز واتسون و فرانسیس کریک ساختمان DNA را توصیف نمودند که در مجله Nature به چاپ رسید. این کشف نشان داد که ساختمان ساده ملکول DNA قادر به حفظ اطلاعات ارثی و ژنتیک می باشد و این اطلاعات را به نسل آینده منتقل کند. ملکول DNA از دو رشته تشکیل یافته است. این دو رشته قادر به جدا شدن هستند و هر رشته به عنوان الگو یا قالب برای ساختن DNA جدید استفاده میشوند. هر بار که یک سلول تقسیم می شود، DNA در آن سلول کپی شده و به این ترتیب به سلول جدید منتقل می گردد. در طول میلیون ها سال اطلاعات ارثی (ژنتیک) تکوینی به طور دائم به نسل های جدید منتقل شده اند. کشف این مطلب که اطلاعات ژنتیک در DNA انباشته می شوند یکی از بزرگترین اکتشافات قرن بیستم می باشد.



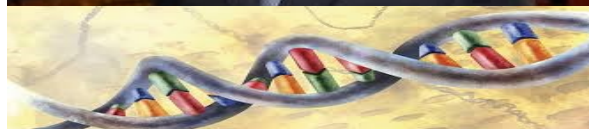
دکتر سنکار و همسرش دکتر گونن بولز سنکار

دکتر عزیز سنکار، دانشمند آمریکائی متولد ترکیه، در خانواده ای عرب زبان و نسبتاً فقیر در ساوور، در جنوب شرقی ترکیه به تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۴۶ پا به جهان گشود. او فرزند هفتم در بین هشت فرزند بود. پدر و مادرش بیسواد بودند ولی اهمیت زیادی برای آموزش قائل بودند. سنکار تحصیلاتش را تا اتمام دبیرستان در نزدیکی زادگاهش به اتمام رساند. سپس به تحصیلاتش در رشته پزشکی در دانشگاه استانبول ادامه داد. پس از اخذ دکترای پزشکی، به مدت دو سال به عنوان پزشک در ترکیه مشغول به کار شد و سپس برای ادامه تحصیل رهسپار تگزاس گردید و درجه PHD خود را در دانشگاه تگزاس در دالاس در رشته بیوشیمی گرفت. همسر دکتر سنکار، دکتر گونن بولز سنکار است که استاد بیوشیمی و بیوفیزیک در دانشگاه چپل هیل می باشد. این زوج Carolina Turk Evi را در چپل هیل بنیاد نموده اند که یک مرکز دائمی برای دانشمندان اهل ترکیه در نزدیکی دانشگاه می باشد. چهار محقق فوق لیسانس یا دکترای ترک در دانشگاه چپل هیل همیشه در این خانه اقامت دارند. این خانه همچنین برای بازدید کنندگان دانشور برای اقامت کوتاه مدت هم استفاده می شود و مرکزی برای پیشرفت و تبادلات فرهنگی و علمی آمریکائی و ترک می باشد.



دکتر عزیز سنکار دیپلم و مدال جایزه نوبل در شیمی در سال ۲۰۱۵ را از پادشاه سوئد دریافت می کند.

در اینجا سوالی به وجود می آید که چگونه یک ملکول DNA در طول میلیون ها سال توانسته استوار و پا بر جا بماند. اشتباهات تصادفی همیشه در ترکیبات شیمیایی پیش می آید. علاوه بر آن، ژن های ما همیشه در معرض تابش ملکولهای اتمی در فضا هستند که می دانیم DNA را معیوب می کنند. آن چه که DNA را به طرز شگفت آوری سالم و بی عیب نگه میدارد مجموعه ای از یک سیستم مرمتی می باشد. گروه مخصوصی از پروتئین ها ژن ها را دیدبانی می کنند و هر نوع صدمه به DNA دائماً مرمت می شود و اشتباهاتی که در زمان تکثیر و کپی DNA اتفاق می افتد، همچنین بوسیله همین سیستم تصحیح می شوند. امسال، جایزه نوبل در شیمی به سه دانشمند اهدا شد که نقشه ترمیم ژنی را در سطح ملکولی و با شرح جزئیات آن بیان نمودند. تامس لیندال نشان داد که واکنشهای خود به خود شیمیایی می توانند واکنش های آسیب پذیر در ژنوم سلول ایجاد کنند. او به این نتیجه رسید که در سلولها سیستمهای مرمت کننده ای باید وجود داشته باشد که این آسیب ها را تعمیر می کنند و در نتیجه راه را برای تحقیق در یک موضوع جدید در این رشته باز کرد. تحقیقات پل مُدریچ، برنده دیگر نوبل در شیمی در ۲۰۱۵، نشان داد که چگونه یک سلول می تواند کپی های ناچور را که گاهی در موقع کپی شدن DNA اتفاق می افتد مرمت کند و توانست ثابت کند که چگونه این اطلاعات به نسل جدید منتقل میشود. امروز می دانیم که این سیستم ۹۹.۹٪ اشتباهاتی را که در موقع کپی شدن ژنها اتفاق می افتد، تصحیح می کند. DNA همچنین می تواند به وسیله عوامل خارجی مانند اشعه ماورا بنفش و کشیدن سیگار آسیب بخورد. آسیبی را که از این طریق به DNA وارد شده می توان از طریق شکافتن نوکلئوتید مرمت کرد. دکتر عزیز سنکار، برنده سوم جایزه نوبل در شیمی، اجزائی را که این سیستم را تشکیل می دهند شناسائی کرده و در سطح دقیق ملکولی توضیح می دهد چگونه این سیستمها با یکدیگر کار می کنند و آسیب DNA را مرمت می نمایند.





"...زندگی شیرین است، زندگی باید کرد
گرچه دیر است ولی
کاسه ای آب به پشت سر لیخند بریزم، شاید
به سلامت ز سفر برگردد..." فریدون مشیری

از ویژه های یک شعر خوب پنداره و تصاویری است که در ذهن خواننده ایجاد می کند. روزی که من این شعر فریدون مشیری را خواندم مرا یاد دوران کودکی ام انداخت که هر زمان که یک دوست نزدیک خانواده یا یکی از همبستگان به سفر می رفت، همیشه کاسه ای پر از آب به دنبالش می ریختند به این امید که آن شخص به سلامت از سفر باز گردد. اگر ما به این کار به چشم علمی نگاه کنیم بیش از موهوم پرستی و خرافات نیست ولی نگاهی عمیقتر به این عمل نشان دهنده افکار و احساسات و عشقی است که در آن زمان دوستان و همبستگان به یکدیگر داشتند. سفر کردن همیشه پر از خطر بود و علاوه بر زمان طولانی و شاید سالها که مسافر از آنها دور می شد، به دلیل خطرهای مختلف مانند امراض و مسایل امنیتی جان مسافر همیشه در خطر بود. کاسه آب به دنبال مسافر ریختن نشانه مهر و همبستگی بود. امروزه اگر شما به فرودگاه بروید و پشت سر یک مسافر که سوار جت آخرین مدل میشود آب بریزید کارتان خنده دار به نظر می آید ولی در زمان های گذشته این تنها کاری بود که غم جدائی را مرهم می گذاشت. گاهی با خود فکر می کنم که آیا با پیشرفت علم و تکنولوژی انسان چه چیزی را از دست داده است. آیا انسانها هنوز آن قدرت نزدیک بودن و مهر ورزی به یکدیگر را دارند که پشت سر هم آب بریزند و نگاهشان لحظه ای به دنبال مسافر دوخته شود یا اینکه به محض جدائی حواسشان با فیس بوک، تلویزیون یا هزار موضوع دیگر پرت می شود؟

ICSNC Lifetime Members

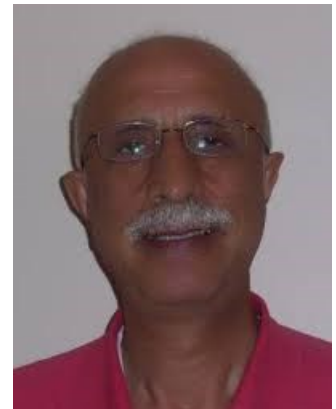
اعضای دائم انجمن فرهنگی ایرانیان در کارولینای شمالی



فریده جبارزادگان



نازی احمدی کایت



فریدون احمدی موسوی



پرویز ماهوتچیان

در نوروز ۲۰۱۵ عضویت دائم انجمن فرهنگی ایرانیان در کارولینای شمالی برای قدر دانی از زحمات چهار عضو فعال کانون، نازی احمدی کایت، فریدون احمدی موسوی، پرویز ماهوتچیان و فریده جبارزادگان، که همگی خدمات فراوانی به کانون کرده بودند، اهدا شد. در نهایت تاسف چند روز قبل از اجرای این مراسم، شادروان فریده جبارزادگان چشم از جهان فرو بست و عضویت دائمی ایشان به همسرشان حبیب جبارزادگان اهدا شد. عضویت دائمی کانون چندین سال قبل به آقای پرویز کاوسی نیز عرضه شده بود.

عجب صبری خدا دارد

شعری از معینی کرمانشاهی

با همکاری دکتر جواد میمندی نژاد



عجب صبری خدا دارد!

اگر من جای او بودم همان یک لحظه اول
که اول ظلم را می دیدم از مخلوق بی وجدان،
جهان را با همه زیبایی و زشتی،
بروی یکدیگر، ویرانه می کردم.

عجب صبری خدا دارد! اگر من جای او بودم،

که در همسایه صد ها گرسنه، چند بزمی گرم عیش و نوش می دیدم،
نخستین نعره مستانه را خاموش آندم، بر لب پیمانه می کردم

عجب صبری خدا دارد اگر من جای او بودم،

که میدیدم یکی عربان و لرزان، دیگری پوشیده از صد جامه رنگین،
زمین و آسمان را واژگون مستانه می کردم

عجب صبری خدا دارد!

اگر من جای او بودم، نه طاعت می پذیرفتم،

نه گوش از بهر استغفار این بیداد گر ها تیز کرده،
پاره پاره در کف زاهد نمایان، سبجه صد دانه می کردم.

عجب صبری خدا دارد!

اگر من جای او بودم، برای خاطر تنها یکی مجنون صحرا گرد بی سامان
هزاران لیلی ناز آفرین را کو به کو، آواره و دیوانه می کردم!

عجب صبری خدا دارد! اگر من جای او بودم،

بگرد شمع سوزان دل عشاق سرگردان
سرایای وجود بی وفا معشوق را، پروانه می کردم.

عجب صبری خدا دارد!

اگر من جای او بودم،

به عرش کبریائی، با همه صبر خدائی،
تا که می دیدم عزیز نا بجائی، ناز بر یک نا روا گردیده خواری می فروشد
گردش این چرخ را، وارونه بی صبرانه می کردم.

عجب صبری خدا دارد

اگر من جای او بودم، که می دیدم مشوش عارف و عامی،
ز برق فتنه این علم عالم سوز مردم کش،
بجز اندیشه عشق و وفا، معدوم هر فکری
در این دنیای پر افسانه می کردم.

عجب صبری خدا دارد!

چرا من جای او باشم؟

همین بهتر که او خود جای خود بنشسته و تاب تماشای تمام زشتکاریهای این
مخلوق را دارد!

وگر نه من بجای او چو بودم،

یک نفس کی عادلانه سازی،

با جاهل و فرزانه می کردم.

عجب صبری خدا دارد! عجب صبری خدا دارد!

رحیم معینی کرمانشاهی که در سال گذشته در سن ۹۰ سالگی در بیمارستان جم تهران از دنیا رفت، یکی از برجسته ترین شاعران و ترانه سرایان ایران بود که ترانه های ماندگار بسیاری از خود به یادگار گذاشت. معینی کرمانشاهی در سال ۱۳۰۴ در کرمانشاه متولد شد. او از نوجوانی به شعر و نقاشی علاقه داشت و نقاشی ها و سروده هایش در نشریات محلی کرمانشاه منتشر می شد. معینی کرمانشاهی در سال های پیش از کودتای بیست و هشت مرداد یعنی در فاصله بین ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ مدیریت روزنامه محلی "سلحشوران غرب" را به عهده داشت. اما شهرت کرمانشاهی به خاطر تابلوهای نقاشی یا فعالیت روزنامه نگاری او نیست بلکه به خاطر خلاقیت و استعداد درخشان او در شعر و همچنین ترانه سرایی می باشد. او ترانه سرایی را از اوایل دهه ۱۳۳۰ با کار در رادیو تهران آغاز کرد. اهمیت کار معینی کرمانشاهی، وارد کردن مضامین تازه و تاکید بر تصویرسازی در ترانه سرایی بود. ارتباط با نقاشی دیدی تصویری به او داده بود که در اشعار و ترانه هایش منعکس می باشد. سنگ خارا (علی تجویدی، مرضیه)، رفتم که رفتم (تجویدی، مرضیه)، طاووس (بیاحقی، مرضیه) و یادگار کودکی (تجویدی، دلکش) از جمله ترانه های معروف او می باشند.

عظیم ترین کار شگرف او بیان تاریخ ایران به شعر است که او به دنباله شاهنامه فردوسی سروده و تاریخ ایران را از دوره حمله اعراب تا زمان کنون به شعر و به همان زیبایی و صراحت شاهنامه بیان می کند. این منظومه به نام "شاهکار" در ۱۰ جلد نوشته شده و شاعر خود این شعر را در باره کتاب می گوید:

عجب شاهکاری است این شاهکار بمان ماندگار، ای ز من یادگار



The writer is Adjunct Professor of Psychiatry, University of North Carolina School of Medicine at Chapel Hill, Distinguished Life fellow American Psychiatric Association, and Founding Editor and Editor-in-Chief, Wake County Physician Magazine (1995-2012). He serves as a Visiting Scholar and lecturer on Medicine, the Arts and Humanities at his alma mater the George Washington University School of Medicine and Health.

Monday Musings is a blog by Dr. Assad Meymandi that appears weekly on Wordpress.com

Alzheimer's Disease, The Latest

By: Assad Meymandi, MD, PhD, DLFAPA, ScD (Hon)*

Brief History:

Alzheimer's disease is the most common form of dementia (forgetfulness/inability to recall) that afflicts more than 100 million worldwide, and five million in America. The dementia causing brain disorder is named for its discoverer, German psychiatrist and neuropathologist, Aloysius (Alois) Alzheimer (1864-1915). The first case of Alzheimer's disease was of course presented in the form of a scientific paper to the Conference of Southwest German psychiatrists in Tübingen, Germany, on November 4, 1906. Dr. Alzheimer discovered little bits of goo, starch like substance, the chemical composition of which we now know to be amyloid, accumulated around the nerve cells (neurons) in the brain. These bits grow and coalesce into bigger pieces called plaques and later on neurofibrillary tangles, all of which disrupt the works of the brain, primarily memory and intellectual functions, such as thinking and communication. As the result, nerve cells die (are choked to death) and the brain literally shrinks in volume. The patient with Alzheimer's disease experiences loss of memory both for recent and distant events, as well as deficit in perception, mental processes, cognition and comprehension in a progressively worsening mode until the patient dies. Alzheimer's disease is a slow but major killer. In mid to later stages, the Alzheimer's patients do not even remember or recognize their children and other close members of the family.

Clinical course:

Alzheimer's disease is brutal. It robs the afflicted of experiencing joy, communication, and connection with life. The patient turns into a zombie. Most important loss is loss of dignity and nobility of the soul preceded by urinary and fecal incontinence. We now have five million Americans suffering from this disease (worldwide over 100 million). It is more prevalent

in women because of female hormonal and body chemistry. There may be accompanying mood disorder such as depression; or behavior disorder such as violence; and thought disorder such as paranoia and delusions. Interpersonal relationship, let's say between a husband and wife is based on ability to talk (communication). And talking is about memories of the past, plan for the future and enjoyment of here and now. After attending a party, we chit chat about whom we saw at the party and who said what...And plan for the future, trips, vacations, grandchildren, etc. With Alzheimer's all this is taken away in a brutal and irreversible manner. Conversations are reduced to asking and answering the same questions limited in scope and variety, repeatedly, randomly and aimlessly. The "conversation"/exercise soon becomes exhausting. In Alzheimer's disease, meaningful communication, the central alchemy of relation and love, is one of the first things to disappear.

Diagnosis and treatment:

Diagnosis is through neuropsychological testing, mental status examination and brain scans. Besides magnetic resonance imaging (MRI), we now have other radiological instruments such as positron emission tomography (PET scan) and functional MRI (fMRI) that not only visually demonstrate existence of the plaques and the amyloid bits, but can measure the physiological function of the brain. It is now well known that Alzheimer's related changes in the brain begin 10-15 years or more before people show signs of detectable memory loss. Scientists at University of Pittsburgh and Johns Hopkins University have developed a BIOCARD which study and predict onset of the disease in volunteers through long term monitoring and testing. Therefore, treatment is primarily through brain exercise, reading, memorizing, classical music, doing crossword puzzle, Sudoku puzzle, physical exercise and activities, staying socially active, interactive, and engaged.

Chemical Treatment:

In the past few decades, we have had a number of chemicals, among them Aricept and Namenda. These drugs are designed to fight the progression of the disease and bring symptom relief. In essence they slow down the deterioration of the brain, but, unfortunately, not very successfully. More recently, a new group of drugs—the Zumabs family of drugs have been introduced with the promise that they attack the plaques directly by dissolving and removing them from the brain. Their expected function is to just like a chemical vacuum cleaner get in the brain and sweep away the goo, the plaques and the neurofibrillary tangles. The Zumabs supposedly are those chemical vacuum cleaners.

Alzheimer, The latest: (Continued)

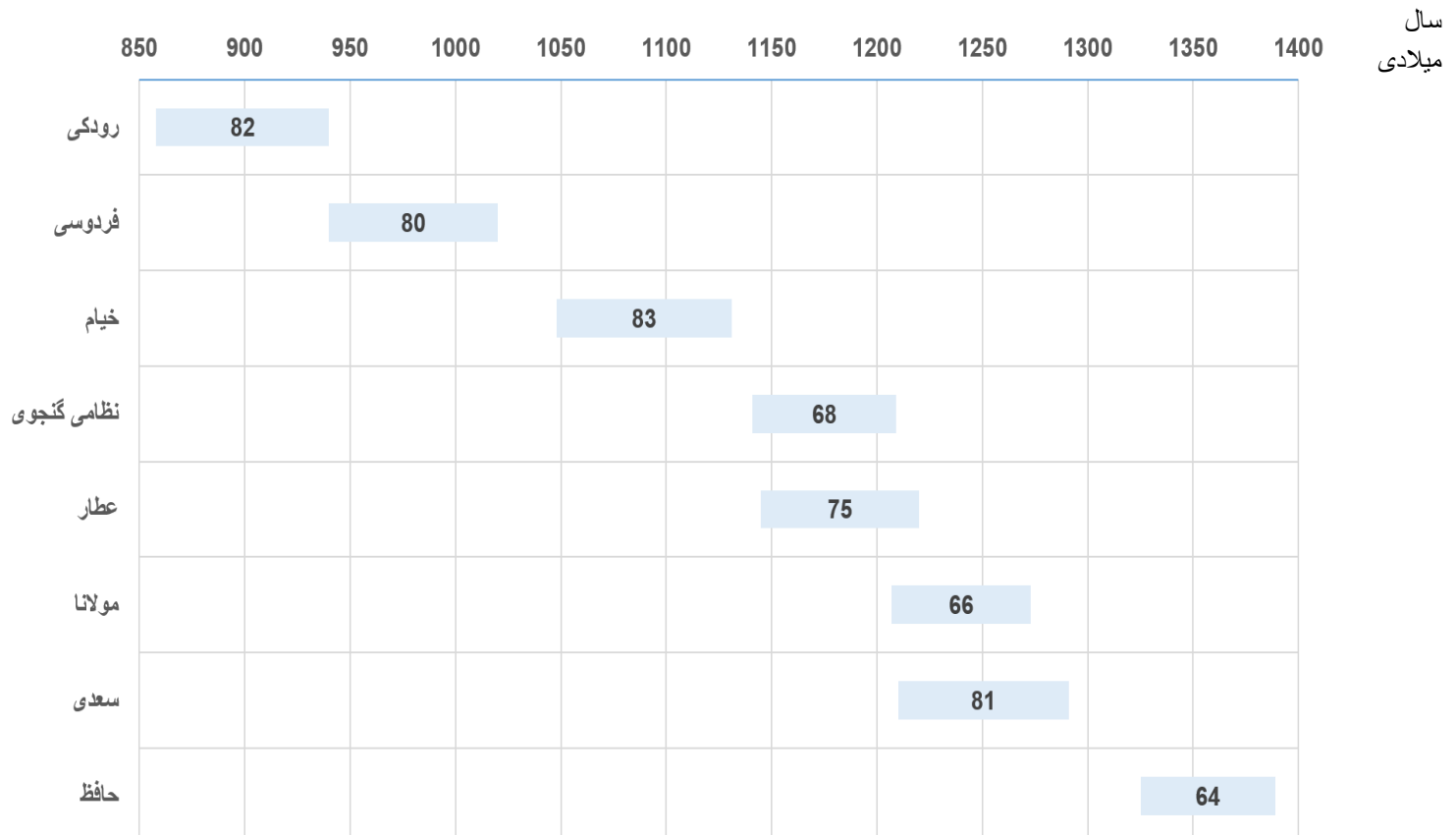
Personal Thoughts Not Only As A Practicing Psychiatrist, Teacher, But As A Care Giver:

It is a distinct privilege to care for a beloved afflicted with Alzheimer's. The opportunity to be exposed to deeper strata of love unique and instructive. One learns patience, compassion, and a caring feeling for the victim with relentless constancy. There is nothing like experiential learning. However, personally, I believe that with the American ingenuity, and the vast resources of a mature capitalist society at our disposal, we will find a cure for Alzheimer's. Remember in 1981 when the first case of auto-immuno-deficiency syndrome (AIDS) was diagnosed. In the 80s and 90s, tens of thousands died because of AIDS. Well, again this past week, at another scientific meeting re: AIDS, the speakers including our own Myron Cohen of UNC School of Medicine and Health, were talking about not only control of AIDS and minimizing mortality but curing AIDS. We are today with Alzheimer's where we were with AIDS in the mid-1980s. I am reminded of St Thomas Aquinas (1205-1275) view of science: "Believing is good. Knowing is better." What a privilege to be alive today, especially in America, and enjoy the experience of explosion of knowledge.

This article first appeared on Monday Musings following the Alzheimer's Association world conference in July 2015 in Washington DC. It has been summarized to fit this newsletter. For the complete version of the article please refer to:

<https://assadmeymandi.wordpress.com/tag/assad-meymandi/>

نمودار زمانی شعرای بزرگ و کهن ایران



نتایج یک تحقیق تازه : برده داری در دوران قاجاریه در ایران مرسوم بوده است

نقل از: خبرگزاری ایرانشهر

روزنامه گاردین اخیراً مطلبی منتشر کرده است درباره تحقیقات دکتر پدram خسرو نژاد، استاد مطالعات انسان شناسی دانشگاه اوکلاهوا، که نشان میدهد برده داری اتباع آفریقایی در دوران قاجاریه در ایران مرسوم بوده و روندی رو به رشد داشته است. تحقیقات این استاد ایرانی بریتانیایی نکاتی خلاف تصور عمومی درباره منسوخ بودن برده داری در ایران را اثبات کرده است. در تاریخ مدرن ایران برده‌های آفریقایی‌تبار به عنوان خدمتکار به خانه‌های ثروتمندان راه پیدا کردند. مردهای سیاهپوست را خواجه می‌کردند تا بتوانند در حرمسراهای شاهان کار کنند و زنان سیاهپوست نیز به عنوان خدمتکار در خدمت زنان ایرانی بودند. در سال ۲۰۱۱ هنگامی که آقای خسرو نژاد نمایشگاهی از عکاسی و سینماتوگرافی در دوران قاجار را در دانشگاه سینت آندروز اسکاتلند برپا کرده بود به چند عکس از آفریقایی‌هایی که در اواخر سده ۱۹ (۱۸۹۶-۱۸۳۱) در دربار ناصرالدین شاه زندگی می‌کرده‌اند برخورد. از آن زمان به بعد خسرو نژاد به جمع‌آوری عکس‌هایی در رابطه با بردگان آفریقایی و خدمتکاران مدرن آفریقایی در ایران می‌پردازد. این تحقیقات او را به اسپانیا، ایران، انگلستان و آمریکا کشانده‌است. آقای خسرو نژاد تاکنون حدود ۴۰۰ عکس جمع‌آوری کرده است و قصد دارد این مجموعه را در قالب یک تحقیق تصویری درباره کار خانگی سیاهپوستان در ایران به چاپ برساند. وی همچنین قصد دارد چندین نمایشگاه از این عکس‌ها را در دنیا برگزار کند. خسرو نژاد بیان کرده که این پروژه بسیار حساس است زیرا بسیاری از خانواده‌های قاجار با به کار بردن کلمه برده مشکل دارند. این افراد می‌گویند که سیاهپوستان خدمتکار آنها بوده‌اند و کسی با آنها مانند برده برخورد نمی‌کرده‌است. شاید نظر آنها درست باشد اما برده داری، برده‌داری است و باید به صورت شفاف درباره آن بررسی شود. ارائه این عکس‌ها در این پروژه اولین قدم در رابطه با روش مردم شناسی تصویری است که خسرو نژاد در رابطه با ایران مدرن آغاز کرده‌است. وی می‌گوید: منابع تصویری زیادی وجود دارد که ارزش تحقیق و بررسی دارند. شاید بسیاری از این منابع توسط مورخین و یا هنرمندان مورد بررسی قرار گرفته‌باشند، اما باید این منابع توسط یک انسان‌شناس نیز بررسی شوند.



پروفسور آرتور اپهام پوپ و همسرش دکتر فیلیس اکرمین

تنها با چشم و گوش بلکه با عقل و روان نیز باید لذت برد." کتاب های چاپ اکسفورد امروزه بسیار نایاب میباشند. چاپ های مجددی از آنها در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ انجام یافت. پیش از چاپ این کتابها، آنها شش بار توسط دکتر اکرمین برای کامل بودن بررسی شدند که آنها را با هشت هزار رفرنس مطابقت داده بود. امروزه کتاب های دکتر پوپ ماخذ معتبری برای بررسی هنر و فرهنگ ایران می باشند.

دکتر عیسی صدیق می نویسد که در سال ۱۹۶۰ که چهارمین کنگره بین المللی ایران در نیویورک و واشینگتن بر قرار میگردد، دکتر پوپ طی نامه ای از او میخواهد که موافقت شاه را برای ایجاد آرامگاه ابدی وی در اصفهان بگیرد. شاه از دیدن نامه بسیار متأثر شده و دستور لازم را برای درخواست دکتر پوپ صادر میکند. پس از تعیین محل، مهندس محسن فروغی رئیس دانشکده هنرهای زیبای تهران مسئولیت ساختن آرامگاه را بعهده میگیرد. نقشه آن بسیار شبیه به آرامگاه شاه اسمعیل سامانی در بخارا میباشد که ما شانس دیدن آنرا داشتیم. نقشه مزبور مطابق میل دکتر پوپ قرار می گیرد.

دکتر پوپ از نقطه نظر جسمی بتدریج ناتوان تر گردید و در روز سوم سپتامبر ۱۹۶۹ چشم از جهان بریست. محمد رضا شاه پهلوی دستور داد که تشییع جنازه رسمی کشوری برای ایشان ترتیب داده شود. پیکر او را با شکوه تمام از شیراز به اصفهان بردند و در جایگاه ابدی او بخاک سپردند. در این مراسم بسیاری از دانشمندان جهان شرکت داشتند و در مقام این مرد بزرگوار و خدمتش برای ایران سخنرانی های زیادی کردند.

معماری آنها را ندارد. بدین صورت ایرانیان را تشویق کرد که سبک معماری قدیم ایران را که والا ترین سبک معماری است بیهوده از دست ندهند. این سخنان اثرات خوب خود را بزودی نمایان کرد. دولت ایران دستور داد که از آن بعد ساختمانهای مهم باید به سبک معماری اصیل ایران ساخته شوند. از آنجمله هستند ساختمان موزه ایران باستان که به سبک ساسانیان ساخته شده و ساختمانهای شهربانی کل کشور و بانک ملی ایران برروش هخامنشیان برپا گردیدند.

در اکتبر ۱۹۳۴ دکتر پوپ اقدام اساسی برجسته دیگری کرد و آن برقراری جشن هزاره تولد استاد ابوالقاسم فردوسی، شاعر حماسه سرا و ملی ما بود. جشنهای با شکوهی برای این منظور در تهران و طوس برقرار شد و برگزاری این جشنها احساسات و افتخارات ملی ایرانیان را برافروخت.

در سال ۱۹۳۹ دکتر پوپ و همسرش دکتر اکرمین کتاب "بررسی در هنر های ایران" را به پایان رساندند که در همان سال توسط دانشگاه اکسفورد انگلیس در شش جلد روزنامه ای بچاپ رسید. این کتابها در حدود ۸۰۰۰ صفحه و به وزن بیش از ۵۵ پوند و شامل انواع هنر های هفت هزار ساله ایران از نقاط مختلف کشور میباشد. وی در باره کارهایش در ایران در یکی از سخنرانی های خود در بیان سال ها رنج در راه بزرگداشت ایران چنین مینویسد:

"من با این عشق به ایران آمدم که گوئی یک ماموریت الهی در قبال این کشور رویانی و آرمانی خود داشتم." پوپ پیوسته بشاگردان خود پند میداد که: "از زیبایی ها نه

در سال ۱۹۳۰ پوپ اعلام نمود که در نظر دارد در ماه ژانویه ۱۹۳۱ یک نمایشگاه بین المللی از هنرهای ایران در لندن برگزار نماید. پروژه بزرگ وی این بود که یک مدل به اندازه یک سوم سر در ورودی بزرگ مسجد شاه اصفهان تهیه و بمعرض نمایش بگذارد. این نمایشگاه که در تاریخ ۷ ژانویه ۱۹۳۱ بوسیله پادشاه انگلستان، ژرژ ششم، بطور رسمی گشوده شد، با موفقیت کامل بر خوردار گردید و فرهنگ و هنر و میراث هنری ایران را به غرب معرفی نمود. در ضمن برای ایران نتایج قابل توجهی داشت و بسیاری از مردم راغب خرید هنرهای ایران، بویژه قالی های ایرانی شدند و بدین وسیله به بازرگانی ایران کمک شد. از سوی دیگر این نمایشگاه سبب زنده شدن روح هنر دوستی در میان ایرانیان گردید. هنرمندان، صنعتگران، بافندگان پارچه، کاشیکاران، حکاکان برنج و نقره و دیگر صنایع بخود بالیدند و عصری جدید و زندگی تازه هنری از قلب ایران بپا خاست.

در سال ۱۹۳۴ پوپ سخنرانی بسیار گویائی در باره معماری در ایران کنونی نمود: "شما یکی از قدیمی ترین ملل روی زمین هستید و باید بکشور خود افتخار کنید، زیرا صنعت معماریش مورد تحسین و توجه عالم میباشد. مبادا که این میراث ارزشمند خود را فراموش کنید و از معماری های پیش پا افتاد "کیف" و "کراکو" تقلید کنید. بدون ارشیتکت خوب، نوع بشر از لحاظ معنوی بی خاتمان خواهد بود." دکتر پوپ بر این باور بود که منزلی که از ده تا بیست سال گذشته در ایران ساخته شده بود، بهیچوجه از لحاظ اقتصادی و زیبایی شباهتی با منازل قبلی و سبک



فروزان، ستاره سرشناس سینمای قبل از انقلاب ایران در سن ۷۸ سالگی درگذشت.

پروین خیربخش، با نام هنری فروزان، در ۴ شهریور ۱۳۱۶ در بندر انزلی به دنیا آمد و فعالیتش را در سینمای ایران از سال ۱۳۴۱ با دوبله و گویندگی فیلم ها آغاز کرد.

فروزان در طی دو دهه از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ که در سینمای ایران فعال بود، در ۵۸ فیلم سینمایی و در کنار مشهورترین بازیگران سینمای ایران مثل فردین، بهروز وثوقی، ناصر ملک مطیعی و ایرج قادری بازی کرد و در فیلمهای فارسی مطرح و پرفروشی مثل گنج قارون، خاطرخواه و باباشمل ظاهر شد. او فعالیت بازیگری اش در سینما را در سال ۱۳۴۲ با بازی در فیلم ساحل انتظار ساخته سیامک یاسمی آغاز کرد.

بعد از انقلاب، فروزان نه تنها از سینما کناره گیری کرد بلکه به انزوایی خودخواسته تن داد و هیچگاه در جمع سینماگران و دوستدارانش ظاهر نشد و از گفتگو با خبرنگاران و رسانه ها امتناع کرد. او ستاره ای بود که عمر هنری اش پیش از موعد به سر رسید و فروغش، با انقلاب ایران خاموش شد.



فروزان در روی جلد اطلاعات هفتگی

فکاهی

قابل توجه برادران متاهل گرامی

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عید می آید و اجناس، گران خواهد شد
همسرت چند ورق لیست، به تو خواهد داد
کل اعضای وجودت، نگران خواهد شد
میزنی ساز مخالف، دو سه روزی، اما
عاقبت هرچه که او گفت، همان خواهد شد
پول را، با علف خرس، یکی میدانند
فکر کردید که منطق، سرشان خواهد شد؟
کل عیدی و حقوقت، به شبی خواهد رفت
بر سر جیب بغل، فاتحه خوان باید شد!

Emotional intelligence as defined by Harvard Business

The Five Components of Emotional Intelligence at Work

	Definition	Hallmarks
Self-Awareness	the ability to recognize and understand your moods, emotions, and drives, as well as their effect on others	self-confidence realistic self-assessment self-deprecating sense of humor
Self-Regulation	the ability to control or redirect disruptive impulses and moods the propensity to suspend judgment – to think before acting	trustworthiness and integrity comfort with ambiguity openness to change
Motivation	a passion to work for reasons that go beyond money or status a propensity to pursue goals with energy and persistence	strong drive to achieve optimism, even in the face of failure organizational commitment
Empathy	the ability to understand the emotional makeup of other people skill in treating people according to their emotional reactions	expertise in building and retaining talent cross-cultural sensitivity service to clients and customers
Social Skill	proficiency in managing relationships and building networks an ability to find common ground and build rapport	effectiveness in leading change persuasiveness expertise in building and leading teams

Copyright © 2003 Harvard Business School Publishing Corporation. All rights reserved.



خداوند الموت

تفسیر یک کتاب : نوشته مریم طبیب زاده

داستان "خداوند الموت" نوشته پل امیر و ترجمه ذبیح الله منصوری از زندگی حسن صباح و فرقه اسماعیلیه ایران پرده برداشته و به شایعه وجود "بهشت زمینی" که حسن صباح با جوی های روان شیر و شراب و حوریان زیبا در قلعه الموت ساخته بود خاتمه می دهد. شایعه این بود که برای جذب جوانان ابتدا به آنها حبشیش میخوراندند و سپس آنها را به بهشت نام برده میبردند. جوان در موقع هوشیاری از مزایای بهشت بهره مند میشد و بعد از چند روزی او را دوباره با حبشیش از خود بی خود میکردند و به خارج منتقل می نمودند و به این ترتیب یک فدائی به جمع فدائیان حسن صباح افزوده میگشت. این فدائیان برای سربه نیست کردن دشمنان فرقه فرستاده می شدند و در صورت گرفتاری با قرص جوهر تریاک خودکشی می کردند. این عمل در ظاهر مانند اعمال بمب گزاران انتحاری امروزی است که به خاطر مذهب دست به جنایت زده و خود را فدای مذهبشان می کنند. اما نویسنده وجود "بهشت زمینی" و استعمال حبشیش را رد کرده و آن را از تبلیغات خلفای عباسی می داند در حالیکه سر به نیست کردن دشمنان این فرقه را رد نمیکند. بر طبق این نوشته فرقه اسماعیلیه که یکی از شعب مذهب شیعه است در اطراف دجله و فرات به نام فرقه قرمطی نضج گرفته. ولی در آن زمان شیعیان را ملحد می دانستند و آنها را هر جا می دیدند کشته و یا می سوزاندند. افراد این فرقه پنهانی به انجام مراسم دینی خود می پرداختند تا آنکه عده ای از ایرانی ها به شمال آفریقا راه یافته و سلسله خلفای فاطمی را تشکیل دادند. در مصر مدرسی تأسیس شد که به ترویج این دین کمک کردند و مهمترین آنها دانشگاه الازهر بود. حسن صباح که خود اسماعیلی مذهب بود در این مدرسه به تحصیل پرداخت و در آن جا با خواندن کتاب های یونانی به عظمت ایران قدیم واقف شد. به ابتکار حسن صباح قلعه های قدیمی را یکی یکی مرمت کردند و افراد فرقه اسماعیلیه را به آن جاها فرا خواندند. یکی از این قلعه ها، الموت در مازندران بود که حسن صباح خود در آنجا زندگی کرده و از دنیا رفت. به گفته نویسنده، ششصد و پنجاه سال قبل از اینکه تلگراف بصری در اروپا مورد استفاده قرار گیرد از طرف "باطنی ها" در منطقه الموت مورد استفاده قرار میگرفت. در قلعه الموت بزرگترین و بهترین بیمارستان ساخته شده بود که افراد مریض از تمام ایران بدانجا میرفتند و حاذق ترین پزشکان به مداوای آنها می پرداختند. نویسنده ادعا می کند که ایده بیمارستانهای مذهبی مسیحی که بعداً بوجود آمد از قلعه الموت منشا گرفته. انواع داروها نیز چه گیاهی و چه شیمیایی در آنجا درست میشد. و این داروها که اغلب از جمع آوری گیاهان داروئی دامنه کوه ها بود و یا بوسیله کشاورزان قلعه رویانده می شدند در نقاط مختلف ایران فروخته می شد. نام حشاشین که اروپائیان به فرقه باطنی ها دادند نیز از حشاش که به معنی دارو ساز است گرفته شده. در حالیکه در آن زمان در تمام ایران بازار هائی بود که مختص فروش دارو بود و به آنها بازار حشاشین می گفتند. بدیهی است که نام حشاشین نیز که به فرقه باطنی ها نهاده شده بهمین جهت بوده است. در این قلعه اهالی هریک قطعه زمینی داشتند که با کشاورزی و دام داری زندگی خود و خانواده را می گذرانیدند؛ چون وظیفه هر فرد باطنی تولید از زمین و برداشت محصول بوده و دیگر از وظایف مذهبی این فرقه ورزش صبح گاهی و تعلیمات نظامی بوده است.

به نظر می رسد که این نهضت فقط یک نهضت دینی نبوده و برای درک بهتر آن به یکی از خطبه های حسن صباح نگاه میکنیم. "پس از حمله عرب کتابها را سوزاندند و کتیبه ها را کردند که اثری از عظمت ایران باستان باقی نماند. و تنها تئیی چند از جمله فردوسی توانست قسمت کوچکی از آن دنیا را نشان دهد. با خواندن منابع غربی متوجه می شویم که ایران ملتی سر بلند بوده و وظیفه ماست که ایران را از زیر سلطه مادی و معنوی عرب نجات دهیم و با خلفای عباسی و حکومت هائی که سلطه عرب را برسمیت می شناسند بجنگیم. ما برای این کار باید از شمشیر، همان سلاحی که اعراب مارا چنین کوچک و خوار کردند، استفاده کنیم."

کتاب سپس به تفسیر قلعه طیس می پردازد و چگونگی فدائی مطلق شدن پیروان این دین در قلعه طیس توسط مردی به نام شیرزاد قهستانی. این مرد که برای رسیدن به آمل ایدولوژیکی خود را عقیم کرده بود که شاید تقلیدی بوده از کشیش های مسیحی، ادعا می کرد که شهوت جنسی امکان انجام کارهای خطیر را مشکل و غیر ممکن میکند و بهمین جهت از جوانانی که خواهان فدائی مطلق شدن بودند می خواست که خود را عقیم کنند. این جوانان در قلعه طیس به ورزش و تعلیمات نظامی مشغول بودند تا زمانی که دستور کشتن یکی از دشمنان فرقه را دریافت کنند.

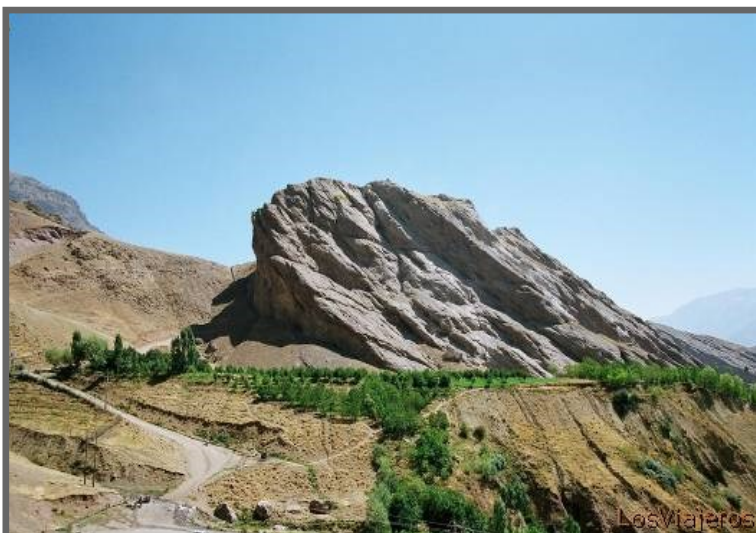
اولین این ترور وقتی است که نظام الملک به حاکم نیشابور دستور داد که در باره شرف الدین اردبیلی که رئیس مدرسه نظامیه نیشابور بود تحقیق کند و در صورت باطنی بودن وی را از بین ببرد. شرف الدین اردبیلی که داعی بزرگ این فرقه و یکی از دانشمندان زمان خود بود بوسیله یکی از همکارانش یوسف بن سباغ لو رفته و به طرز فجیحی اعدام میشود. برای انتقام دو فدائی مأمور قتل یوسف بن سباغ و حاکم طوس می شوند. فدائی اولی با تعقیب یوسف صبح زود به او حمله کرده پس از کشتن او ناپدید می شود ولی قتل حاکم طوس به این آسانی نبود و قاتل پس از حمله به او قرص جوهر تریاک را قورت داده قبل از اینکه بتواند اقراری از وی بگیرند از دنیا می رود. دومین مأموریت برای قتل نظام الملک وزیر ملک شاه سلجوقی و دشمن سر سخت باطنی صادر میشود. اما پیش از این که این فدائی به نظام الملک برسد، قاتل دیگری که از طرف همسر ملک شاه (ترکان خاتون) مأمور شده بود نظام الملک را از پای در می آورد. با مریض شدن ملک شاه کمی بعد پس از قتل نظام الملک، همسر وی ترکان خاتون با گرفتن سپاهی از خلیفه بغداد به ایران حرکت کرده و کودک خود محمود را شاه اعلام میکند. در این زمان حسن صباح اعلام می کند که تقیه لازم نیست و تمام افراد فرقه می توانند در صورت پرسش دین خود را آشکار کنند. سپاهی از طرف او پسر بزرگ ملک شاه را که برکیارق نام داشت حمایت کرده و در جنگی ترکان خاتون را شکست میدهد. پس از فرار ترکان خاتون، برکیارق را به شاهی می رساند و از وی می خواهند که دین باطنی را آزاد بگذارد. اما برکیارق بعلت و سوسه وزیرش از این کار سر باز می زند. حسن صباح ابو حمزه، فرمانده سپاهش را مأمور به شاه رساندن تنش برادر ملک شاه که در شام (سوریه امروز) به سر می برد می کند. ابو حمزه به شام رفت و از تنش تعهد می گیرد که اگر شاه ایران شد مذهب باطنی را آزاد اعلام نماید. تنش شرط را قبول می کند و در نتیجه همه جا کیش باطنی را آزاد اعلام کردند. در این مدت ترکان خاتون که به بغداد گریخته از خلیف بغداد مقداری پول و سرباز گرفت و به طرف اصفهان راه افتاد. برکیارق به علت جنگ با عمویش، تنش در اصفهان نبود در نتیجه ترکان خاتون بدون خونریزی وارد اصفهان شده و فرزند خردسال خود محمود را شاه نامید. برکیارق که در جنگ با عمویش تنش شکست خورده بود به تنهایی به اصفهان باز گشت ولی سربازان ترکان خاتون او را دستگیر کرده به زندان انداختند. در همین زمان کودک ترکان خاتون بیمار شد و باطنی ها در شبی که کودک ترکان خاتون بعلت آبله فوت میکند برکیارق را از زندان آزاد کردند و او پس از دیدن تعلیمات باطنیها در طیس و مشاهده قدرت آنها به شاهی رسیده دین باطنی را آزاد اعلام می کند.

حسن صباح دست دوستی به ترکان خاتون دراز کرده از او می خواهد که دین باطنی را بپذیرد و به عنوان داعی بزرگ قدرت و محبوبیت بیابد ولی باید سربازان خود را در اختیار داعی اصفهان قرار دهد. ترکان خاتون با گرفتن مقداری پول قبول کرد ولی به دسیسه های خود بر ضد حسن صباح ادامه داد. در این میان حسن صباح بعثت بیماری از داعی های بزرگ می خواهد که به الموت بروند تا وی جانشین خود را تعیین کند. ترکان خاتون یکی از داعی های فرقه بنام جواد ماسالی را میفریبد و با دادن زهر ارسنیک به وی او را مأمور کشتن حسن صباح میکند. جواد ماسالی وقتی به الموت میرسد متوجه میشود که حسن صباح جانشین خود را تعیین کرده پس تصمیم میگیرد که هردو حسن صباح و جانشین او بزرگ مهر را از بین ببرد. او زهر را با ماست مخلوط کرده به نوکر بزرگ مهر میدهد و سعی میکند که به نزد حسن صباح راه یابد تا وی را نیز از بین ببرد که موفق نمیشود. ماست را نوکر جانشین میخورد و توطئه او کشف شده و در ضمن اعتراف از ترکان خاتون نام میبرد. او را در یکی از قلعه ها محبوس میکنند. ترکان خاتون به گیلان میرود و این جاست که سومین فدائی کتاب پیدا می شود و بعنوان یک پیرزن لال به خیمه ترکان خاتون رفته بعنوان اینکه می خواهد نامه ای به او بدهد به او حمله میکند. قاتل فقط به ران او صدمه میزند و چون مورد حمله اطرافیان ترکان خاتون قرار میگیرد با قرص جوهر تریاک خودکشی میکند و فقط پس از مرگش متوجه می شوند که او مردی جوان است نه زنی پیر. ترکان خاتون در اثر زخمی که فدائی انتحاری به او زده بود کشته میشود. حسن صباح در بستر بیماری به دنیای دیگر می شتابد و خود جانشین خود را انتخاب می کند.

به این ترتیب دین شیعه هفت امامی اسمعیلیه خود را باطنی می نامیدند زیرا می گفتند که به ظاهر دین اهمیتی نمی دهند بلکه به باطن آن توجه دارند. در زمان حسن صباح افراد این فرقه نه زیاد ثروتمند بودند و نه فقیر. همه به اندازه کافی داشتند. ورزش و استفاده از زمین و کشاورزی از جمله وظایف دینی شان بود. دیسپلین زیادی داشتند و اگر مازاد در آمدی در یکی از قلاع موجود بود به الموت فرستاده میشد تا به قلاعی که احتیاج داشتند حواله شود. هدف آنها استقلال ایران بود و امکان آزادانه تبلیغ دینشان. راستگویی و درست کرداری نیز از خواص ارزنده این فرقه بود. نویسنده می گوید بهمین جهت این فرقه ۱۵۰ سال با کمال قدرت زندگی کردند اما چون بعداً افراد فرقه دیسپلین خود را از دست دادند، هلاکو خان توانست قلعه الموت را خراب کرده و تمام کتابهایشان را طعمه آتش کند. بقیه قلاع را نیز یکی یکی بعد از دیگری تصرف و کتابهایشان را به آتش کشیدند. در این کتاب به کرات از زبان رهبران فرقه اسمعیلیه به کتاب سوزی بعد از حمله اعراب اشاره شده و در آخر نیز نویسنده از اینکه کتاب های این فرقه بوسیله مغولان سوخته شده تأسف می خورد و می گوید گنجینه هایی از فلسفه و طب و دارو سازی از بین رفته است.



خرابه های قلعه الموت در مازندران



مسیر قلعه الموت



ذبیح الله منصوری

توضیح پیوند:

ذبیح الله منصوری را شاید بتوان یکی از پرکارترین مترجمان یا بهتر است بگوییم نویسندگان ایرانی نامید. او تحصیلات اولیه اش را در سنجند کردستان به اتمام رساند و زبانهای فرانسه و انگلیسی را هم آموخت. در سال ۱۲۹۹ وقتی به تهران آمد میخواست در رشتهی دریانوردی تحصیل کند، ولی در روزنامهی کوشش چند کتاب ترجمه نمود و از آن پس به نوشتن پرداخت. منصوری کتابهای بسیاری نگاشته است. او در سبک نویسندگی خود دارای روش خاصی بود و طرفدار سبک بسط و گسترش کتب بود. ولی به کتابهای اصلی وفادار نبود. در بسیاری از موارد اطلاعات خویش را نیز به کتابهایی که ترجمه می نمود می افزود. او معتقد بود. ترجمه بر دو گونه است نوعی که در آن مترجم به لغت به لغت ترجمه می کند و به متن اصلی وفادار است و نوعی دیگر که خود آن را اقتباس می نامید مترجم این اختیار را داشت که ایده اولیه نویسنده را گسترش دهد. نقل است که اصلاً شخصیتی به نام ”پل امپر“ در تاریخ ادبیات فرانسه وجود ندارد. عده ای معتقدند ”خداوند الموت“ پرداخته ذهن منصوری بوده است.

An American urologist's experience in Iran: .

I had the privilege of having been an invited speaker at the 16th annual Royan International Conference on Reproductive Medicine and Stem Cell Research in Tehran Iran from September 2-4, 2015. The meeting was attended by over 2000 individuals. The entire experience was exceptional. The conference itself was extremely interesting. Indeed, the science related to male infertility was by an order of magnitude better than that at any of the many other meetings I have attended.

The hospitality was exceptionally gracious. The administrative and professional staffs facilitated all aspects of the trip including arranging for a visa, transfers, accommodations and meals.

The tourist component was very well done and captivating. Also, I found learning more about daily life in Iran was both surprising and fascinating. The impression one gets from the US and European media is very misleading. Several of my associates expressed surprise that I was traveling to Iran. Daily life for the middle class is not very different from that in the US. Iran is country of 80 million people with an excellent educational system and a populace that highly values education and academia. I had many conversations in English with educated and intelligent young students who planned to pursue advanced degrees or training in Europe or North America.

I did not see any homeless people or any evidence of terrorism. Indeed the experience was from the logistic perspective was not different from attending a medical or scientific event in the US. Women are treated as equals. I found that 40% of medical students were women and most of the Iranian PhDs I met were female. I would encourage with enthusiasm anyone who has the opportunity to attend the Royan international conference to do so. In summary it was one of the most interesting, hassle free, and enjoyable trips I have ever had.

Stuart S. Howards M.D.

Professor of Urology University of Virginia and Wake Forest Medical School



Dr. Howards in Iran: Dr. Hooman Sadri of Winston Salem (above left) with Dr. Howards, attending Royan International Conference in Tehran



دکتر محمد علی بطحائی در سال ۱۳۱۴ هجری خورشیدی در شهر سنج در ایران متولد شده، تحصیلاتش تا پایان لیسانس در ایران انجام گرفته و دوره فوق لیسانس و دکتر را در ایالت ایلینوی امریکا گذرانده است. او در سطوح آموزگاری، دبیری، استادی دانشگاه در ایران و امریکا خدمت کرده و همچنین مشاور رفتاری در ایالت کارولینای شمالی بوده است.

دکتر بطحائی اکنون باز نشسته است و داوطلبانه به آموزش ادبیات و همچنین علوم روانشناسی در جامعه ایرانی در کارولینای شمالی ادامه می دهد. دکتر بطحائی یکی از بنیانگزاران کانون و اولین رئیس این مجتمع فرهنگی می باشد.

پیر ما گفت: "اصل محبت است."*

با توجه به چنین معرفت و دیده ی بیدار بگوید ما را:

به گیاه و گل و حیوان

به در و دشت و بیابان

به هر آنچه

که نهاده ست برین سفره و این خوان

تو با عشق نگر،

تو بدان عشق بورز.

عشق را راز بدان

رمز بدان

موهبت حضرت سبحانش بدان،

بنشانش به صفا دردل صافت

تا کلیدی شود از جود و سخاوت

بگشاید نظرت را

به قبول همه چیز و همه کس.

پرده بر دار ز رخ

باز نگر چهره ی خویش

اندر آن جام

در آن صیقل ایام

که نامش دل توست،

تا چه بینی و که بینی

که نهفته ست در آن

گر تو بر دوش کشی بار منم من

ای دوست!

گر کنی تکیه به پوسیده عصاهای غرور!

گر تکبر کنی و لاف بزرگی بزنی!

ره به دریا نبری همراه آن جوی روان

جوی پیران خردمند به گاه باران

جوی آن عارف عاشق که ز خود بیخود بود

جوی آن عاشق سر مست که "مولانا" بود.

عشق گوید: که توئی نیست،

منی نیست،

یکی هست. یکی هست و

دگر نیست.

و نباشد سخنی در دل و در پهنه ی ادراک من

از بابت تعریف از آن یک.

پس، صوابست خموشی.

پیر: جلال الدین محمد بلخی مشهور به رومی

دریا: مقام معرفت

جوی روان: راه و روش طریقت

گاه باران: مقام حال

* "اصل محبت است."، در کتاب فیه ما فیه از گفتار مولانا، صفحه ۲۱۵

پارسی را پاس می داریم:

به جای استشهاد می گویم گواهی

به جای استراق سمع: شنود

به جای استشمام کردن: بوییدن

به جای استحقاق: شایستگی، سزاواری

به جای استدعا می کنم: خواهش می کنم، درخواست می کنم

به جای استفاده از: به کارگیری

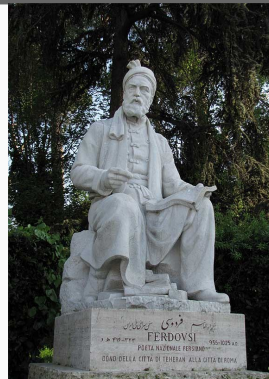
به جای استعمال کردن: به کار بردن

به جای استرداد: بازگرداندن، پس دادن

به جای استحصال: برداشت، بهره برداری

به جای استراحت کردن: آسودن، خوابیدن

به جای اعتماد به نفس: خود باوری



مجسمه فردوسی در رم، ایتالیا
مجسمه ساز: ابوالحسن صدیقی



تخته نرد

نوشته : هاله برزگر ساعی



آیا می دانید تخته نرد چگونه و توسط چه کسی ابداع شد و چه فلسفه زیبا و عبرت آموزی در پس آن نهان است؟ تخته نرد توسط بزرگمهر ابداع شد و اما داستان پیدایشش: در زمان پادشاهی انوشیروان خسرو پسر قباد، پادشاه هند "دیوی سارم بزرگ" برای سنجش دانائی و خرد ایرانیان و اثبات برتری خود شطرنجی را که مهره های آن از زمرد و یاقوت سرخ بود به همراه هدایائی نفیس به دربار ایران فرستاد و "تخت ریتوس" دانا را نیز گمارده انجام این کار ساخت. او در نامه ای به پادشاه ایران نوشت: از آنجا که شما شاهنشاه ما هستید ، دانایان شما نیز باید از دانایان ما برتر باشند... پس یا روش و شیوه آنچه را که به نزد شما فرستاده ایم (شطرنج) باز گویند و یا پس از این ساو و باج برای ما بفرستید. شاه ایران چهل روز امان و زمان خواست ولی هیچ یک از دانایان در این چند روز چاره و روش شطرنج را نیافت تا این که روز چهارم بزرگمهر که جوان ترین وزیر انوشیروان بود به پا خاست و گفت "این شطرنج" را چون میدان جنگ ساخته اند که دو طرف با مهره های خود با هم می جنگند و هر کدام خرد و دور اندیشی بیشتری داشت پیروز میشود و رازهای کامل بازی شطرنج و روش چیدن مهره ها را گفت. شاهنشاه سه بار بر او درود فرستاد و دوازده هزار سکه به او پاداش داد. پس از آن "تخت ریتوس" با بزرگمهر به بازی پرداخت. بزرگمهر سه بار بر "تخت ریتوس" پیروز شد.

روز بعد بزرگمهر "تخت ریتوس" را به نزد خود خواند و وسیله بازی دیگری را نشان داد و گفت اگر شما این را پاسخ دادید ما باجگزار شما میشویم و اگر نتوانستید باید باجگزار ما باشید. "دیوی سارم" چهل روز زمان خواست، اما هیچ یک از دانایان آن سرزمین نتوانستند معمای اردشیر را چاره گشائی کنند و به این ترتیب شاه هندوستان پذیرفت که باجگزار ایران باشد.

تخته نرد نماد کره زمین است. مهره: نشانگر ۳۰ روز شبانه روز (یک ماه)،

خانه : نشانگر ۲۴ ساعت شبانه روز،

قسمت زمین: ۴ فصل سال.

دست بازی: ۵ نوبت (وقت) یک شبانه روز

رنگ سیاه و سفید: شب و روز ۲،

هر طرف زمین ۱۲ خانه دارد (۱۲ ماه سال)

تاس: ستاره بخت و اقبال

گردش تاس ها : گردش ایام،

مهره ها: انسانها.

گردش مهره در زمین : حرکت انسان ها (زندگی) ،

بر داشتن مهره ها در پایان بازی: مرگ انسانها

اعداد تاس:

عدد یک: یکتائی و خدا پرستی،

عدد دو: آسمان و زمین،

عدد سه: پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک

عدد چهار: ۴ جهت: شمال، جنوب، شرق، غرب.

عدد پنج: خورشید، ماه، ستاره، آتش، رعد.

عدد شش: شش روز آفرینش



هاله ساعی: در سال ۱۹۷۴ لیسانس ادبیات و دبیر

دبیرستانهای ایران بودم و در دبیرستانی که از آنجا دیپلم گرفته بودم تدریس می کردم و جالب این که با دبیران سابق خود همکار شده بودم که باعث افتخارم بود. هر گاه آن ها در هنگام زنگ تنفس به دفتر مدرسه وارد می شدند، من مثل سابق که در کلاس به احترام ایشان بلند می شدم بی اختیار به پا خاسته و جای خود را به همکارم (در واقع دبیر سابق خود) می دادم و تا ایشان نمی نشستند، من نمی نشستم چرا که همیشه معتقد بودم که همان قدر که پدر و مادر قابل احترام و با ارزشند معلم، دبیر و استاد هم همیشه قابل احترام می باشند. خوشحالم که اکنون این فرصت را دارم که علاقه و احترام خود را به آموزگاران بیان کنم.

بازی تخته نرد به وسیله مورها، بعد از غلبه اعراب در اسپانیا به ناحیه اندولوزی برده شد و تمام قوانین بازی به صورت اصلی حفظ شد به غیر از این که مهره ملکه به وزیر تبدیل شده بود .

پیکر نگار: جَن استین 1665

صحنه ای در زندگی یک خانواده هلندی و بازی تخته نرد



باداب سورت، مازندران



Family Dentistry

Dr. Hamid Rouhani, DDS

Brier Creek

7980 Arco Corporate Dr., Ste 102
Raleigh, NC 27617
919-908-1168

Garner

801 Highway 70 West
Garner, NC 27529
919-661-4077

www.brightsmilesnc.com



ICSNC Future Events

Persian School Nowruz Party: March 12

Chaharshanbeh Souri: March 15

ICSNC Nowruz Party: March 19

Amir Koushkani Concert at Duke: March 29

Persian Festival: April 23

Dastan group concert with Salar Aghili: May 1

Persian school graduation :June 4

Annual meeting and election: June 5

FLAME KABOB
Serving Gourmet Iranian Cuisine

Please come and discover delicious authentic Persian Kabobs (Lambs, Beef, Chicken, Koobideh.....)

Stews and Basmati Rices with freshly Baked Tandoori Bread.

We also offers a variety of catering options for all occasions.

Our restaurant uses only certified Zabiha Halal Meat.

For catering info, Contact Mehdi (919) 649-6666

7961 Skyland Ridge, Suite 110 Raleigh, NC 27617
Ph: (919) 596-2525

www.flamekabob.com

برنامه های آینده کانون

جشن نوروز مدرسه فارسی: مارچ ۱۲

چهار شنبه سوری: مارچ ۱۵

جشن نوروز کانون: مارچ ۱۹

کنسرت امیر کوشکانی: مارچ ۲۹

جشنواره ایرانی: آوریل ۲۳

کنسرت گروه داستان: خواننده سalar عقیلی، مه ۱

جشن فارغ التحصیلی مدرسه فارسی: جون ۴

جلسه سالیانه انتخابات کانون: جون ۵



Iranian Landscape and people



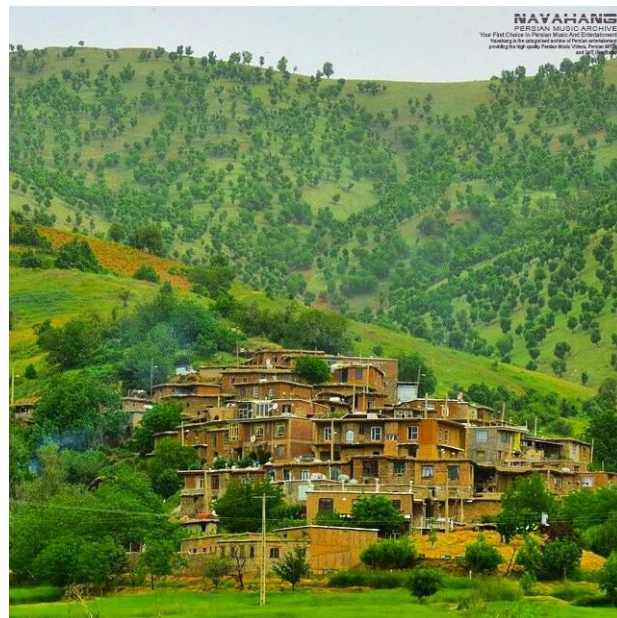
دهکده هورامان، کردستان



دماوند



مريوان، کردستان



دهکده هورامان ، کردستان



بوستان ملت، رشت



هنر قالیباپی

پیدا فریدون پورشریعتی

یار از ره لطف نظر بر من و ما کن
بر شمع خان ره خود صلح و صف کن
دبار که حافظ هر کس سخنی گوید
گویند کلو از عشق، لب بسته دار کن
اندر ز توراکویم، در چشم جهان نیست
هر شب، شب پیدا کن، آمال میسر کن
دیوان لسان الغیب در محض دل بکشا
از چشمه حاجاتش ز مکار زول واکن
در قبله گشت جانان، زندان به نماز آیند
مستان به سجود آیند، سجاده تماشا کن
سوکند نام تو، بر شاخ نبات تو
اقبال کره خورده، از منظران واکن
از مکتب ایرانی تا مرز اهورانی
یارا بنافروست، این جشن مصفا کن



گلایه فرازه پورشریعتی / مهابر

جز درد دل چه گویم شراب کو
شما اثر ندارد جواب کو
رقم به امر حافظ دنبال مهر و رزان
هنوز کدای مرم، در جستجوی مهران
گفتی ندیدی از عشق بهتر صدای دیگر
اکنون بیا نظر کن عشق بی صدا را
وادی به خال هندش سمرقند و بخارا
ما دست و دلبازان داویم به جان وطن را
سایه به راه دو قسیم یوسف هم نیاید
داغدار کردی جانان کغان غصه دار را
آن وعده و وعیده، آن قولها و پندت
آتش زدن به جانم، سوزن دل و روانم
حالی دیگر به من نیست درستی و درستی
دیگر نباش حافظ مست و مرا و جامت
امروز فرازه گویا از فاش گذشته، همچون غلامی پردرد
من بی جواب ماندم و زمیکده گریزان
اشعار هم توان گفت بی مستی و حقیقت
دارد خزار گلایه از خواجہ اش، درینا

فریبا کامرانی

مشاور فعال در امور خرید و فروش
املاک مسکونی و تجاری

تخصص، تجربه، صداقت من
ضامن اطمینان شماست

919-619-3609

fkamrani@fmrealty.com

www.liveintriangle.com



نوروز پیروز

Caspian Int'l Food Mart

Imported Food from Around the World

ارائه کننده نیازمندی های نوروزی شما در یک مکان

Tel: (919) 954-0029

2909 Brentwood Rd. Raleigh, NC 27604

Closed Mondays



اعضای گروه داستان و ایرانیان مقیم کارولینای شمالی در دانشگاه دوک



مراسم جشن یلدا، دسامبر ۲۰۱۵ با همکاری کانون و دانشجویان NCSU در Talley Student Center



اعضای کانون و دانشجویان مقیم Triangle بعد از کنسرت گروه داستان



Persian Festival

April 23, 2016 NC State Fairgrounds

WWW.NCPersianFestival.com